

کمی برقرار می‌کنند. رمان‌ها اغلب یا انتزاعی هستند یا در قالب سبک‌های خاصی مانند جریان سیال ذهن یا رئالیسم جادویی نوشته شده‌اند که نمی‌شد آن‌ها را به فیلم برگرداند، در واقع ذائقه مخاطب ما با این مدل فیلم‌ها خیلی آشنایی نداشت. به همین دلیل فیلم‌سازان خیلی سراغ اقتباس نمی‌روند و این بی بهره ماندن از دنیای ادبیات تقویت هم می‌شود. البته در حال حاضر نویسندگان جوان یک سری آثار دارند که می‌توانند مبنای اقتباس باشند که اگر یک تعامل خوبی بین اصحاب ادبیات و قلم با فیلم‌سازان ایجاد شود، قطعاً این صورت می‌گیرد.

وی با انتقاد از بسیاری از نویسندگان جوان‌تر که سطح نوشته‌های خود را بالاتر از سینمای ایران می‌دانند اضافه می‌کند: ولی بسیاری از کسانی که در فضای ادبیات هستند به مقوله سینما جور دیگری نگاه می‌کنند و تبدیل شدن آثارشان به فیلم سینمایی را دون شان خود می‌دانند. این نویسندگان معتقدند که اثر ادبی والاتر از سینماست و این هنر نمی‌تواند جایگزین ادبیات شود. البته که این فقط یک تصور است. مانند همین‌گویی که تا قبل از مرگش خیلی آثار کمی را اجازه داد که از آن‌ها اقتباس کنند و در این زمینه سختگیری‌های بسیاری نشان می‌داد.

این کارگردان در ادامه می‌گوید: این موضوع نه در ایران که در جهان هم تا حدودی دیده می‌شود و در سینمای ما هم همینطور است. خارج از فیلم‌های هنری و مستقلی که رویکرد مخاطبش، مخاطب ایرانی نیست و بیشتر برای یک سری جشنواره‌های خاص فیلم می‌سازند، در مورد بقیه فیلم‌ها، معمولاً اصحاب قلم به این فیلم‌ها را خیلی قبول دارند و نه سینمای ایران را قبول دارند.

احمد کوری در پان می‌گوید: برای اینکه سینمای اقتباسی قابل قبولی داشته باشیم باید در گام اول این تعامل صورت گیرد. نویسندگان باید بدانند و بی‌زیرند که فیلم‌ساز هم مانند نویسنده، یک خالق و نویسنده است که آثارش را در قالب تصویر بیان می‌کند. مانند نویسندگان ادبی که آثارشان را در قالب قلم و کلمات ارائه می‌دهد. این فهم اگر وجود بیاید و این مفاهیم مشترک به اشتراک گذاشته شود، قطعاً می‌تواند برای نویسندگان و سینماگران آورده‌های بسیاری داشته باشد و در نهایت علاقه‌مندی این دو قشر موجب می‌شود که ما شاهد آثار بسیار باارزش و ماندگاری باشیم.

وی تأکید می‌کند: در واقع باید اعتماد متقابل میان نویسندگان و سینماگران وجود داشته باشد. طبیعتاً وقتی یک فیلم‌ساز اثری را برای اقتباس انتخاب می‌کند حتماً دغدغه‌اش بوده که آن را انتخاب کرده است، بنابراین اگر اعتماد متقابل وجود داشته باشد هیچ مشکلی به وجود نخواهد آمد ولی اینکه نتیجه چه باشد واقعاً دست هیچ‌کدام نیست؛ چرا که هر دو سعی می‌کنند بهترین کار را ارائه بدهند.

پرداخت شود.

نویسنده فیلمنامه ژن خوک ادامه می‌دهد: یک بخشی هم اقتباس از آثار ایرانی است که از همان ابتدایی که موج نو سینمای ایران یا گرفت، آثاری از صادق چوبک، محمود دولت‌آبادی و بقیه نویسندگان آن زمان اقتباس صورت گرفت. اما از همان ابتدا دعوا و مرافعه بین نویسندگان و فیلمسازان خیلی زیاد بود. در واقع هر کسی دنبال سهم‌های خودش بود و ادعای می‌کرد که اثر مال او است. برای مثال این جنجال زمانی که مسعود کیمیایی «خاک» را ساخت، بین او و محمود دولت‌آبادی پیش آمد. همچنین زمانی که امیر نادری فیلم اقتباسی «تنگسیر» را ساخت، بین نادری و صادق چوبک هم یک سری دعوا و حرف و حدیث پیش آمد. از این ماجراها زیاد است.

نویسنده و کارگردان فیلم خودزنی به توضیحاتش در خصوص دلایل کم‌کاری سینماگران ما در حوزه اقتباس اضافه می‌کند: در حال حاضر هم نویسندگانی که در قید حیات هستند یا آثارشان را برای ساخت نمی‌دهند، یا اگر آثارشان را بدهند، باید حق اقتباس از آن‌ها خریداری شود. فیلم‌سازی هم که علاقمند به اثری است، توانایی مالی ندارد و جایی هم اگر توانایی مالی دارند و برای این کار سرمایه‌گذاری می‌کنند، براساس سلیقه و شرایط خودشان آن را می‌سازند که این برداشت آزاد از آن اثر است و معمولاً هدف اصلی خود اثر در طی ساخت و شرایط اجتماعی و ملاحظات اجتماعی سیاسی و فرهنگی، گم می‌شود. به همین دلیل اغلب نویسندگان رغبت نمی‌کنند که آثارشان را در اختیار فیلم‌سازان قرار بدهند.

وی تأکید می‌کند: حال ممکن است یک فیلم‌ساز رابطه خوبی با نویسنده‌ای داشته باشد و به واسطه ارتباطشان بتواند یکی از آثار او را اقتباس کند و این خیلی در حدش پایین است. این مسائل دست به دست هم می‌دهند تا تمام فضا و شرایط برای جوان‌هایی که می‌خواهند فیلم‌سازی کنند، کاملاً بسته شود. در نتیجه هیچ جوانی نمی‌تواند آزادانه یک کتابی را به عنوان اقتباس انتخاب کند.

این نویسنده و کارگردان در ادامه تصریح می‌کند: بنابراین ترجیح می‌دهند این دردسرها را به خودشان ندهند و خودشان فیلمنامه را بنویسند که صاحب آن هم خودشان باشند، تا اگر در پایان ساخت فیلم در بخشی از آن ضعفی وجود داشت، نیازی به پاسخ دادن به صاحبان دیگری نباشد.

رمان‌های جدید با مخاطب ارتباط برقرار نمی‌کنند

نویسنده و کارگردان فیلم نفوذی در ادامه با اشاره به اینکه رمان‌های معاصر هم با دنیای مخاطب ارتباط محکم برقرار نمی‌کنند، می‌گوید: اغلب رمان‌های دهه‌های اخیر، بیشتر به گونه‌ای بوده که قابلیت این که اقتباس از آن‌ها صورت بگیرد نیست زیرا با مخاطب ارتباط

یک نویسنده است، نگارش آن‌ها زمان برده و نویسنده اندیشه‌ای را صرف آن‌ها کرده، به همین دلیل خیلی می‌توانند قابل اتکا باشند برای این که یک فیلم‌ساز بتواند فیلمش را براساس و روی شاکله آن‌ها بنا کند.

در سینمای جهان اغلب فیلم‌هایی هم که دیده شده و به گونه‌ای با مخاطبش ارتباط برقرار کرده، به یک طریقی از اقتباس بهره برده است.

این موضوع در سینمای ایران هم تا حدود زیادی قابل مشاهده است؛ مثلاً در بین فیلم‌های خودم، ارتباط مخاطب با فیلم‌های «نفوذی»، «خودزنی» و «سریال «وارش»، بیشتر بود و ارتباط بهتری برقرار کرده، چون همه این‌ها اقتباس از فکر و ذهن نویسندگان توانمند بودند. کارگردان فیلم «اعتراف با دور تند» تأکید

می‌کند: بنابراین من با تمام احترامی که برای نویسندگان فضای نمایش قائل هستم، برخی از نوشته‌هایی که به دستم رسیده، خیلی قابل اعتماد نبوده که بخوام برای ساختشان زمان صرف یا حتی آن‌ها را بازنویسی کنم. ولی زمانی که فیلمنامه برگرفته از یک اثر ادبی باشد، خیلی بهتر می‌شود کنکاش کرد و با این کنکاش از لحاظ داستان، چیزی را بیرون کشید که برای مخاطب قابل عرضه باشد.

وی افزود: من چندین فیلمنامه اقتباسی که آن‌ها را کاملاً با فضای ایران آداپت کرده‌ام، دارم که هنوز شرایط ساختشان فراهم نشده است. یک سری آثار متعلق به ادبیات آمریکای لاتین هست که می‌تواند آثار خیلی خوبی برای اقتباس باشند و اگر با فضای فرهنگی کشور مطابقت داده شوند، کارهای جذابی می‌تواند شوند. متأسفانه در حال حاضر شرایط برای این که بتوانیم کارهای موردعلاقه‌مان را انجام دهیم خیلی کم است.

اقتباس از آثار داخلی و نویسندگان خارجی

کوری در مورد انواع اقتباس در سینمای ایران و محدودیت‌ها و امتیازهای هر کدام از این اقتباس‌ها نیز این گونه توضیح می‌دهد: یک بخش از اقتباس سینمای ما از یک سری آثار کلاسیک جهان و آثاری که زمان زیادی از انتشارشان گذشته، صورت می‌گیرد. در این مورد اگر نویسنده خارجی باشد، به دلیل مهم نبودن حق کپی رایت در ایران، فیلم‌ساز اجازه اقتباس دارد و صاحب اثر یا وراثت اثر خیلی مدعی نیست. آن جایک کمی کار راحت‌تر است و همان‌طور که می‌بینید از چنین آثاری اقتباس‌های بسیاری شده و می‌شود. مثل فیلم «اینجا بدون من» یا «غریبه» یا آثاری مثل «داشتن و نداشتن» که ناصر تقوایی «ناخدا خورشید» را براساس آن ساخت. اما این اقتباس یک محدودیت‌هایی هم ایجاد می‌کند زیرا مانع از این می‌شود که آن کار در خارج از این مرزها بتواند عرضه شود. چون از نظر حقوقی، فیلم‌ساز را دچار مشکل می‌کند و باید حق اقتباس